



در بازارهای ادواری، مثل  
هفته بازارها و در بازارهای  
موسمی، مثل بازارهای آیینی  
سالانه، اگرچه ساختار و  
مدیریت بازار مانند بازارهای  
شهری در چارچوب روابط  
سنتی باقی مانده است و  
اگرچه کالاهای محلی و  
محصولات بومی در آن جا  
عرضه می‌شود، اما  
نمی‌توان نادیده انگاشت  
که این بازارها یکی از  
عوامل مؤثر در ورود  
عناصر فرهنگ شهری  
به جامعه و فرهنگ  
روستایی است

کارکرد (فونکسیون) خود را از دست بدهد، ممکن است صورت کالبدی با نقش (فونکسیون) تازه‌ای استمرار پیدا کند، که البته دیگر از محتوا و ماهیت قانونی خالی است. این گونه رسم‌ها، معمولاً زمینه باوری و اعتقادی ندارند، اما ممکن است بعدها بار اعتقادی بگیرند. بسیاری از رسم‌های مربوط به تولید کشاورزی، از این شمارند.

از ارتباط تنگاتنگ مراسم آیینی و بازار، آیا می‌توان چنین برداشت کرد که بازار عمدتاً بر گرد هسته اصلی آیین و مراسم برگزار شده در مکانی تشکیل شده است، و به لحاظ تقدس این مراسم است که بازار تشکیل می‌شود؟

بله همین طور است. اصولاً مراسم آیینی و بازار، در پیوندی نزدیک و تنگاتنگ با یکدیگر بوده و هستند و در واقع هرکدام پشتوانه و موجب تداوم دیگری است. بازار از تقدس همین مراسم است که جان و مایه می‌گیرد. و همین امر است که کالاهای عرضه شده در بازار، برای مردم تيمن و تبرک پیدا می‌کند و باعث رشد و رونق بازار می‌شود. بازارهای متعددی در حول مرکز اصلی آیین و رسمی که در یک مکان برگزار شده است، شکل گرفته‌اند و از آن طرف نیز مراسمی بوده‌اند که با پشتوانه بازار

ابتدا این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به اینکه مراسم آیینی از اجزای رفتاری آثار انسانی است، آیا تنها منشأ اعتقادی دارند و یا در سیر زمان بار اعتقادی و آیینی به خود گرفته‌اند؟

باورها و اعتقادات، بخشی از صورت‌های ذهنی آثار انسان هستند، که برپایه آن‌ها، مراسم و آیین‌ها، که آن‌ها هم بخشی از صورت‌های رفتاری آثار انسان هستند شکل می‌گیرند. اما رسم‌ها در فرآیند دیگری هم پدید می‌آیند، که تجربه‌های عملی انسان در جریان کار و تولید است. پایه و مایه این گونه رسم‌ها هم که من آن‌ها را رسم‌های معیشتی می‌نامم، برپایه گونه دیگری از صورت‌های ذهنی یعنی صورت‌های ذهنی فنون است، که رفتارهای فنی (فن به معنای عام آن) و سپس سنت‌های اجتماعی را سبب می‌شوند. سنت‌ها، قانون‌های نانوشته و به دفتر نیامده هر جامعه هستند که معمولاً در کالبد رفتاری رسم‌ها متجلی می‌شوند؛ انجام ندادن و رعایت نکردن یک سنت، به سبب ماهیت قانونی آن به درجه‌ای، بازخواست جامعه را در پی دارد. سنت اگر



# بازار و مراسم آیینی

گفت‌وگو با محمد میرشکرایی  
رئیس پژوهشکده مردم‌شناسی



فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای نظام‌مند دانست که هریک از اجزای آن در رابطه‌ای سامان یافته با دیگر اجزا و کل مجموعه، نقش مؤثر خود را ارائه می‌دهد و در راستای همین نقش، حضوری زنده دارد. سنت‌ها، آداب و رسوم و آیین‌ها به تبع کیفیت خود با تمامی اجزای این مجموعه ارتباط دارند. گفت‌وگوی کوتاه حاضر تلاش دارد به بررسی مراسم آیینی و بازار و پیوند متقابل آنها بپردازد. بازاری که از مراسم آیینی تقدس می‌گیرد و هر آنچه در بازار عرضه می‌شود جنبه‌ی تیمن و تبرک پیدا می‌کند و همین رونق و تشکیل بازار بر جلوه‌ی مراسم آیینی می‌افزاید.

مراسمی که با بازارهای موسمی همراه می‌شوند صورتی جشن‌گونه دارند و جنبه‌های عزاداری آنها، شکل تحول یافته‌ای است از نیایش‌های کهن. می‌توان گفت بازارهای موسمی همانند انواع دیگر بازارها، از عوامل ثبات و حفظ اجزا و عناصر فرهنگ سنتی هستند. مراسم آیینی نیز همین نقش را برعهده دارند. به یقین می‌توان گفت بازارهای موسمی و مراسم آیینی عناصر معتبر فرهنگ سنتی ما هستند که همواره تلاش دارند هم فرهنگ سنتی یکدیگر و هم مجموعه‌ی نظام فرهنگ سنتی را به نسبت شعاع عمل خود دوام و ثبات بخشند.

از بررسی مجموعه مراسم آیینی همچون عَلم و اچینی گیلان، قالی شویان مشهد اردهال کاشان، مراسم پیرسبز در اردکان یزد، مراسم قره‌کلیسا در نزدیکی ماکو، می‌توان دریافت که این مراسم بیشتر به آغاز سال یا مقطع‌هایی مشخص از آن مربوط شده‌اند و بنابراین همراه بودن مراسم آیینی با بازار معیاری است برای شناخت ماهیت مراسم.

محمد میرشکرایی عضو هیأت علمی سازمان میراث فرهنگی کشور و رئیس پژوهشکده‌ی مردم‌شناسی است. در این گفت‌وگوی کوتاه وی به پیوندهای مراسم سنتی در مجموعه یک فرهنگ و رابطه‌ی مراسم سنتی با بازار در گستره‌ی فرهنگی ایران پاسخ می‌دهد.

مراسم آیینی و بازار، در پیوندی نزدیک و تنگاتنگ با یکدیگر بوده و هستند و در واقع هر کدام پشتوانه و موجب تداوم دیگری است. بازار از تقدس همین مراسم است که جان و مایه می‌گیرد. و همین امر است که کالاهای عرضه شده در بازار، برای مردم تیمن و تبرک پیدا می‌کند و باعث رشد و رونق بازار می‌شود



سینه‌زنی هم که تا زمان ما معمول است، صورت تحول یافته مراسم مذهبی و آیین نیایش و شکرگزاری در روزگاران پیشین است. از این رو این جشن، هم نشان آیین‌های کهن و هم رنگ و بوی اعتقادات و مراسم مذهبی امروز را در خود دارد.

بازارهای موسمی همچون دیگر انواع بازارها، از عوامل حفظ فرهنگ سنتی به شمار می‌روند، سؤال این است، آیا مراسم آیینی نیز همین نقش را ایفا می‌کنند، و اگر چنین است می‌شود گفت این دو عنصر، یکدیگر را و مجموعه نظام فرهنگ سنتی را استحکام و دوام می‌بخشند؟

به طور کلی بازار در مورد تغییرات فرهنگی نسبت به بخش‌های دیگر جامعه محتاط‌تر است. چنان که بازار هنوز حساب سیاق و چرتکه را نگهداشته است. بازاریان دیرتر از قشرهای دیگر اجتماعی تغییر در روابط خانوادگی، در پوشاک، در تزیین خانه و مانند این‌ها را می‌پذیرند. نمونه‌های خوب غذای سنتی همیشه در بازارها عرضه می‌شود. آداب و رفتارها و روابط اجتماعی سنتی در بازار دیرپار است. در بازار هنوز هم در مواردی حرف و کلام، ارج و اعتباری همسنگ سند و امضا دارد.

اما در بازارهای ادواری، مثل هفته‌بازارها و در بازارهای موسمی، مثل بازارهای آیینی سالانه، اگرچه ساختار و مدیریت بازار مانند بازارهای شهری در چارچوب روابط سنتی باقی مانده است و اگرچه کالاهای محلی و محصولات بومی در آن جا عرضه می‌شود، اما نمی‌توان نادیده انگاشت که این بازارها یکی از عوامل مؤثر در ورود عناصر فرهنگ شهری به جامعه و فرهنگ روستایی است. در مقاله‌ای که در سال ۱۳۷۶ در مجمع جهانی بازار ارائه کردم و در یکی از نشریات وزارت ارشاد هم چاپ شد، نقش این دوگونه بازار را از لحاظ حفظ فرهنگ سنتی همسان دیده بودم. اما پژوهش‌های بعدی که در این زمینه داشتم نشان داد که در دو سه دهه

در سال ۱۳۵۷ که در جریان پژوهش مردم‌شناسی منطقه گیلان به دیلمان رفته بودم، این مراسم را در روز جمعه سیزدهم مردادماه در روستای «شاه‌شهیدان» مشاهده کردم، که بازاری یک روزه نیز در آنجا تشکیل شد. بازار، بخش عمده همه علم‌واچینی‌های کوهستانی است و به میمنت زمان و تقدس مکان، اجناس آن برای خریداران، تنها یک کالا برای رفع نیاز نیست، بلکه تبرک است و هر خانواده‌ای به خصوص اگر نوعروسی در خانه داشته باشند و یا منتظر عروس یا نوزادی باشند، حتماً از بازار علم‌واچینی خرید می‌کنند. این مراسم با هماهنگی‌هایی در یکی دو جمعه پیش و پس از آن در روستاهای دیگر هم برگزار می‌شد و در آن روستاها نیز همراه با بازار بود. در بازار علم‌واچینی افزون بر عرضه محصولات روستایی و کالاهای شهری موردنیاز مردم، تعزیه‌خوانی، نمایش‌های سنتی، نمایش‌های پهلوانی و مانند این‌ها نیز انجام می‌شد. دیدار خویشاوندان ساکن در روستاهای دیگر، انتخاب همسر و قرار خواستگاری و عروسی و آشتی‌کنان و کارهایی از این دست فضایی شاد و زنده در میان انبوه جمعیتی که با وسیله‌های گوناگون به شاه شهیدان آمده و در تمام زمین‌های اطراف آبادی مستقر شده بودند، به وجود آورده بود.

مراسم علم‌واچینی کوهستانی که با این صفت از علم‌واچینی محرم متمایز می‌شود به همان شکل که پیرمردان و مطلعان توضیح می‌دادند و به خاطر داشتند همیشه به همین ترتیب برگزار شده است. از چگونگی برگزاری مراسم علم‌واچینی در روزگاران پیش سندی در دست نیست اما عناصر موجود در آن، از جمله زمان برگزاری، همزمانی آن با برداشت محصول و صورت جشن‌گونه آن چنین می‌نماید که بن‌مایه این مراسم نیایش و جشن شکرگزاری برای برداشت خرمن بوده است. جشن‌های خرمن همیشه و در همه جا با نیایش‌ها و آیین‌های شکرگزاری همراه بوده و این نیایش‌ها در هر دوره و زمان به آیین و رسم همان روزگار و به تناسب شرایط موجود انجام می‌گرفته است. رسم گرداندن علم و

از چگونگی برگزاری مراسم  
 علم‌واچینی در روزگاران  
 پیش‌سندی در دست، اما  
 عناصر موجود در آن، از  
 جمله زمان‌برگزاری،  
 همزمانی آن با برداشت  
 محصول و صورت  
 جشن‌گونه آن چنین  
 می‌نماید که بن‌مایه این  
 مراسم نیایش و جشن  
 شکرگزاری برای  
 برداشت خرمن بوده  
 است



به این کار می‌گویند «علم‌بندی» یعنی بستن و آماده کردن علم. پس از انجام مراسم هم اجزای علم و پارچه‌ها و زینت‌های آن را باز می‌کنند و در صندوق یا جایی که به آن اختصاص دارد قرار می‌دهند، تا سالی دیگر و مراسمی دیگر. به این کار هم می‌گویند «علم‌واچینی» یعنی واچیدن و باز کردن علم. در گیلان دوگونه متفاوت مراسم با همین نام علم‌واچینی داریم، که در هر دو

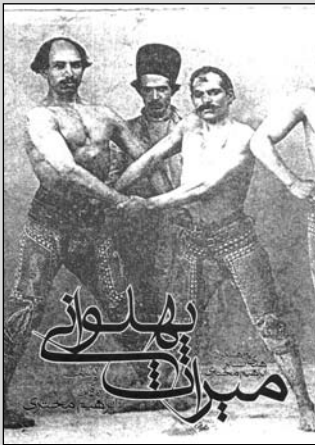
واچیدن علم محور برگزاری مراسم است. یکی از این دو، بخشی از مراسم سوگواری ماه محرم است که در شهرها و روستاهای گیلان علم‌ها را حداکثر تا روز هفتم محرم می‌بندند و پس از برگزاری سوم شهادت امام آن‌ها را باز می‌کنند. این علم‌واچینی که مرحله پایانی سوگواری‌های ماه محرم است با آداب و رفتارهای سنتی خاصی انجام می‌شود و چنان‌که توضیح داده شد در روز معینی از ماه و سال قمری و در تقویم مراسم آیینی مسلمانی ایرانی قرار می‌گیرد.

اما در نقاط کوهستانی گیلان مراسم دیگری هم به نام علم‌واچینی وجود دارد، که اگرچه در آن هم بستن و باز کردن علم و گرداندن آن به دور بقعه و مزار مقدس و نذر و نیاز و سینه‌زنی معمول است، اما نکته اول این است که این قسمت که جنبه سوگواری دارد بسیار محدود می‌باشد و فقط در یکی دو ساعت بعدازظهر انجام می‌شود و دو دیگر این که روز برگزاری مراسم به گردش سال قمری بستگی ندارد، بلکه در محدوده معینی از سال زراعی، یعنی در نیمه تابستان، پس از برداشت خرمن و معمولاً در یک روز جمعه برگزار می‌شود.

به حیات خود تداوم داده‌اند. ویژگی‌های موجود در رابطه‌ی متقابل مراسم آیینی بازار، به این یا آن سرزمین خاص تعلق ندارد و می‌تواند در شمار جهانی‌های فرهنگ به حساب آورده شود.

یکی از بازارهای موسمی که هر ساله برگزار می‌شود، علم‌واچینی به خصوص در مناطق کوهستانی گیلان است. این رسم در روزهای معینی از ماه محرم انجام می‌شود. لطفاً در مورد سابقه و چگونگی برگزاری این مراسم در گذشته و بن‌مایه این مراسم توضیح بفرمایید

«علم» یکی از نشانه‌های عزاداری در ماه محرم است. علم‌های قدیمی، به خصوص در مناطق روستایی چوب‌بلندی است که ممکن است تیغ‌های فلزی هم بالای آن قرار بگیرد. برای روزهای محرم تیغه یا اجزای دیگر علم را روی هم سوار می‌کنند و پارچه‌ها و زینت‌هایی را که مردم به منظور برآوردن حاجت‌های خود برای علم نذر کرده‌اند، به آن می‌آویزند و علم را آماده قرار دادن در تکیه و محل عزاداری می‌کنند. و



### ○ میراث پهلوانی

○ پژوهش و نگارش ابراهیم مختاری، هدی صابر  
○ سازمان میراث فرهنگی کشور

«پس فکر کردم چطور ممکن است سنتی تا این اندازه بی جان و خنک در میان ملتی که هزار و یک درگیری تاریخی و گرفتاری اجتماعی داشت، بیش از هفتصد سال دوام بیاورد و به روزگار ما برسد. اما به زودی معلوم شد ورزش به اصطلاح باستانی، که امروزه رایج است بیش از این مقدمه‌ای بود برای ورزشکاران تا تن خود را گرم کنند و کشتی بگیرند. در آن روزها مردم برای دیدن ورزشکاران که برای رسیدن به مقام پهلوانی با یکدیگر کشتی می‌گرفتند به زورخانه می‌آمدند، نه برای دیدن این ورزش به اصطلاح باستانی که فقط گوشت‌کوب هوا کردن است. (کتابه حاج عبدالحسین فیلی در مورد میل بازی در زورخانه) و چون در خود به نتیجه نمی‌رسد بی معنا و به تنهایی حتی خنده‌دار می‌نماید.» نویسنده با بیان مطلب بالا بر این باور است که از پرس‌وجوها و گفت‌وگو با این و آن و مطالعه‌ی کتاب‌هایی در این زمینه، برای اینکه بتوان سنت پهلوانی یکپارچه خود را داشت یا معنای گم شده آن را در شکل و نه فعلاً در محتوا پیدا کرد، ابتدا باید کشتی پهلوانی را همچون پنجاه سال قبل به زورخانه برگرداند تا در پیوندی زنده با مجموعه‌ی مراسم ورزش‌های زورخانه‌ای قرار گیرد.

متن پژوهش حاضر در سه بخش تدوین شده است. بخش اول به تحلیل‌های نگارنده پرداخته است. یک بحث به محتوای پهلوانی از دوران حماسی (رستم) به دوران میانی (پوریای ولی) و سپس دوران جدید (تختی) پرداخته و سپس به علل ازهم‌گسیختگی شکل سنت پهلوانی در سده‌ی اخیر و تأثیر آن بر پهلوانی، مرشدی و نظام زورخانه‌داری اشاره می‌شود. در واقع یک بحث به شکل و دیگری به محتوای سنت پرداخته است. بخش‌های دوم و سوم کتاب نیز شرح حال پهلوانان و مرشدان و زورخانه‌داران زنده یا درگذشته را مورد توجه قرار داده است.

به گفته نویسنده روش تحقیق در سه مرحله صورت گرفته است:

- ابتدا تماشای زورخانه‌ها و شناسایی پهلوانان و گفت‌وگو با افراد مطلع و مطالعه‌ی کتاب‌ها که منجر به طرح گمانه‌ای با سه بخش اصلی شد. ریشه‌یابی زوال سنت پهلوانی، سپس شرح سنت پهلوانی با استفاده از اطلاعات آخرین بازماندگان سنت پهلوانی و در نهایت توضیح مفهوم پهلوانی و تحول تاریخی آن از رستم تا تختی.

- در مرحله بعد اثبات و یا رد گمانه مرحله اول مورد نظر قرار گرفت.

- مرحله سوم نیز با فکر جداسازی گفته‌های پیشکسوتان از حرف‌های مؤلف بود.

نویسنده با ذکر این که اثر حاضر چون بر خاطره‌ی پیشکسوت‌ها و مشاهدات شاهدان استوار شده، شعاع روشنایی‌اش چندان از سال ۱۳۰۰ دورتر نمی‌رفت و دوران پیشتر در تاریکی باقی می‌ماند. در نتیجه با کنار قرار دادن گفته‌های مرتبط با هم، رویدادهایی از تاریکی خارج و چهره‌ی شخصیت‌هایی روشن شد و دنیای شکسته بسته‌ای پدیدار شد که شکل کاملی نداشت. با این حال سعی شد ناگفته‌های دیگری نیز در پی گفت‌وگوهای تازه بیان و تاریکی‌های دیگری روشن شود.

این کتاب به شیوه‌ی نو و شیرین خصلت‌های پهلوانی را که یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های میراث معنوی فرهنگ ایرانی است و در وجود عیاران، فتیان، کلوها، شاطران و چون اینها متجلی شده مطرح کرده است. سنتی که در همه‌ی دوره‌ها ریشه در فرهنگ اهل حرفه و افزارمندان دارد و لاجرم برخاسته از جامعه‌های شهری است.

اثر حاضر در نه فصل به همراه موخره و پیوست‌ها ارائه شده است:

نگاهی به تحول تاریخی سنت پهلوانی، پهلوانان آرمانی و سنتی، چند تن از پهلوانان و پیشکسوتان، آداب زورخانه، مرشدی، چند تن از مرشدان، زورخانه‌داری، چند تن از زورخانه‌داران، چند تن از اسباب‌سازان فصول این کتاب را تشکیل داده‌اند.

اخیر، نقش بازارهای ادواری و موسمی در تغییر فرهنگ روستایی، کم‌تر از نقشی که در حفاظت از فرهنگ سنتی داشته‌اند، نیست.

اما در مورد مراسم و جشن‌های آیینی به عنوان عناصر زنده و پویای فرهنگ، وضع به گونه دیگری است.

فرهنگ کل متشکل و مجموعه‌ای نظام‌دار و به اصطلاح یک سیستم است، که هر یک از عناصر آن در رابطه‌ای ساختاری و سازمان یافته با عناصر دیگر و با کل مجموعه نقش خود را ایفا می‌کنند و خود نیز به همین ایفای نقش زنده‌اند. جشن‌ها و مراسم آیینی و به طور کلی همه صورت‌های رفتاری آیینی و فنی، عناصر سیالی هستند که به تبع ماهیت خود، با همه اجزای دیگر در تماسند، آنها را به هم پیوند می‌دهند و فرهنگ و جامعه را استواری می‌بخشند. بنابراین بازارهای موسمی و مراسم آیینی به لحاظ زمان مقدس و مکان مقدس برگزاری آن‌ها، با وجود توضیحاتی که پیش‌تر داده شد، در ترکیب با یکدیگر و به نسبت گستره رواج و شعاع عمل خود، موجب قوام و دوام مجموعه نظام فرهنگ سنتی می‌شوند.

همانطور که گفتیم مراسم آیینی و بازار، پیوندی متقابل و تنگاتنگ دارند و هر یک موجب تقویت و تداوم دیگری است. بازار از تقدس این مراسم مایه می‌گیرد و کالاهای در برای مردم تیمن پیدا می‌کند و به رونق بازار می‌افزاید. جلوه و شکوه مراسم نیز با تشکیل بازار افزوده می‌شود و بازار خود به صورت عامل جداگانه‌ای درمی‌آید که جمعیت بیشتری را برای شرکت در مراسم جذب می‌کند. بسیاری از بازارها بر گرد هسته اصلی آیین و رسمی که در مکانی برگزار می‌شود، پدید آمده و شکل گرفته‌اند. و بسا مراسم که با پشتوانه بازار تداوم یافته‌اند و گرنه روزگارشان پایان می‌گرفت.

با توجه به آن دسته از مراسم آیینی همچون مراسم پیر سبز در اردکان یزد، مراسم قره کلیسا در نزدیکی ماکو یا برگزاری مراسم اول تابستان در تفرش و روستاهای منطقه فراهان که دارای منشأ تقویمی آغاز سال هستند، آیا می‌توان همراه بودن مراسم آیینی با بازار را معیاری برای شناخت ماهیت این مراسم دانست؟

از میان بازارهای زنده‌ای که می‌شناسم به جز بازار روستای «شاهواروق» تفرش که با رسم زیارت امامزاده در روز اول تابستان همراه است، رسم‌های آیینی دیگری که در اول تابستان برگزار می‌شود، مثل مراسم پیر سبز اردکان یزد، هیچ‌یک با بازار همراه نیستند. در همان منطقه تفرش روستای دیگری داریم به نام «پوگرد» که سر راه تفرش به خلیجستان واقع شده است و روز اول تیرماه هم رسم بود که از روستاهای اطراف به زیارت امامزاده می‌آمدند، در صورتی که بازاری در آنجا تشکیل نمی‌شد. اما قرار داشتن این‌گونه رسم‌ها در روز یا روزهای اول تابستان، می‌تواند نشانه رابطه آن رسم‌ها با مراسم آغاز سال در تقویم کهن ایرانی باشد، و البته در هر مورد نیاز به پژوهش جداگانه و دقیق‌تر می‌باشد. به طور کلی همراه بودن مراسم آیینی و بازار همیشه بیانگر جایگاه تقویمی آغاز سال نیست.